



## بلخی؛ زمانه و زمینه

✦ توسلی غرجستانی

گفتن و نوشتن در مورد اندیشه‌ها، افکار و آرمان‌های مردان مبارز و بزرگ، توانایی و توانمندی و درک شرایط تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متناسب خود را می‌طلبد. از آغاز فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی «شهید بلخی» بیش از هفت دهه می‌گذرد، در این مدت چه از لحاظ زمانه و چه از بعد زمینه‌ها تحول شگرف و کلان در ابعاد گسترده درک شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در میان بخش عظیمی از توده مردم رونما شده است.

در زمانه‌ای که «شهید بلخی» فریاد مبارزه با استبداد، ستم‌گری، خرافات و قوم‌پرستی را برای تحقق عدالت اجتماعی، آزادی، حمایت از ستم‌دیدگان تاریخی و مبارزه منطقی با انواع جهل و خرافات از طریق بروز و ظهور اندیشه‌های نو، افکار تجددگرایانه و توجه به خواست تاریخی مردم این مرز و بوم مطرح کرد که بسیاری پادشاهی مطلقه را سایه خدا/ ظل الله، وجود طبقات مختلف اجتماعی/ کاست‌ها را سرنوشت محتوم، روآوری به خرافات مذهبی و قومی را محرک عصبیت دفاع از کیان ارزش‌های منتسب می‌دانستند. بنابراین، برای درک درست و شناخت دقیق اندیشه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهید بلخی و هم‌فکران ایشان از دو بعد می‌بایست توجه شود؛ ویژگی عصر و زمانه شهید بلخی و زمینه‌های بروز و ظهور فعالیت‌های وی در صحنه عمل.

یک. زمانه: عصر و زمانه‌ای که شهید بلخی با حلقه‌ای از یاران مبارز خود مبارزات مسالمت‌آمیز و سپس تدارک یک انقلاب/ کودتاه علیه رژیم پادشاهی وقت و تغییر آن به رژیم ایده‌آل و مبتنی بر آرا و اعمال نظر مردم را مطرح کردند، که درک شرایط نابسامان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در چنبره و سیطره

یک خاندان قرار داشت و توده عظیمی از مردم به خاطر بی‌سوادی مطلق و گسترده، نبود دسترسی به امکانات آگاهی‌دهی، رسانه‌های جمعی و حضور بسیار اندک آنان در مراکز شهرهای بزرگ، از درک شرایط حاکم بر کشور و درد مزمن استبداد سیاه و تاریخی که سده‌ها بدن رنجور آنان را رنج می‌دادند، بی‌خبر و ناآگاه بودند. در چنین زمانه‌ای است که بلخی از راه‌های ممکن به



وېژندنه  
پنجاهمېن سالپاد  
شهيد علامه سيد اسماعيل بلخي

دردهای فروخته تاریخی مردم افغانستان را گاه در قالب سخنرانی، زمانی در چارچوب سرودن اشعار انقلابی و بیدارگر و در مقطعی در قالب تشکیل سازمان یافته، متشکل از هم‌فکران خود با هدف سرنگونی رژیم پادشاهی را به خوبی بیان کرد و راه رسیدن به آن را برای نسل‌های پس از خود به ارمغان گذاشت. هرچند کنش شهید بلخی در گزینه سوم یعنی کودتاه و تغییر رژیم به دلیل خیانت برخی از یاران نیمه راهش به فرجام نرسید و به جرم تشکیل چنین هسته‌ای بیش از چهارده سال از عمر کوتاه خود را در زندان دهمزنگ سپری کرد؛ اما راه‌ها و نشانه‌هایی را که وی در دهه‌ها و زمانه‌های مبارزاتی خویش، یعنی دهه‌های بیست، سی و چهل خورشیدی بر جای گذاشت، الهام‌بخش مبارزان بعدی در دهه‌های شصت و هفتاد خورشیدی شد. هرچند میزان تأثیرگذاری مبارزات «شهید بلخی» و «شهید مزاری» بر سرنوشت جامعه ما و هویت‌بخشی تاریخی به نسل برخاسته از یک قتل‌عام فجیع تاریخی در زمان عبدالرحمان خان قابل مقایسه نیست؛ لیکن از آن جایی که حرکت و مبارزه شهید بلخی الهام‌بخش حرکت‌های مؤثر و مبارزه قاطع در تثبیت و احیای هویت تاریخی بخش عظیمی از مردم این مرزوبوم شد، به عنوان چراغ راه و نشانه‌سدید از اهمیت برجسته تاریخی برخوردار است.

**دو. زمینه‌ها:** مبارزات شهید بلخی در مقطع تاریخی‌ای انجام شد که زمینه بروز و گسترش افکار و اندیشه‌های نوبه‌جویندگان و مشتاقان آن بسیار اندک بود. شهید بلخی نخست به دنبال اصلاح جامعه، نظام و حاکمیت سیاسی آن روز بود. وی راه رسیدن به این هدف را از سه زاویه؛ یعنی تغییرات اجتماعی، دگرگونی‌های فرهنگی و در نهایت تغییر رژیم حاکم و استقرار نظام مبتنی بر آرا و نظر اکثریت (نظام جمهوری) را مطرح نظر قرار داد.

**الف. تغییرات اجتماعی:** شهید بلخی معتقد بود که تا تغییرات عمده اجتماعی مبتنی بر دادگستری به وجود نیاید و مردم به عنوان شهروندان مسئول در برابر زمامداران قد علم نکنند، مبارزه با فساد، جهل، بی‌عدالتی و ستم‌گری شعاری بیش نخواهد بود و حتی اندک رسانه‌های موجود در آن مقطع تاریخی را در خدمت قدرت، زر و زور می‌دانست. از این‌رو فریاد می‌زد که:

بیداد بر ضعیفان جای نگشت تحریر

لا فیدن جرائد از عدل و داد تا کی.

از این‌رو شهید بلخی پس از برگشت از تحصیل و درک شرایط



پیام‌رسانی به توده مردم به‌خصوص در مراکز شهرهای بزرگ مثل کابل، قندهار، هرات و مزارشریف با اندک هم‌فکران و امکانات در دست داشته، نسبت به آگاهی‌دهی و تبیین ستم‌گری‌های تاریخی و بیان حق و حقوق شهروندی و حمایت از اقشار ستم‌دیده‌زمانه خود اقدام می‌کنند. در واقع بلخی کنشگر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود که





اجتماعی آن روز مردم، با حضور در میان اجتماع با هدف تغییرات در دید مردم و جامعه نسبت به مسائل و چالش‌های پرشمار به روشنگری پرداخت و در این راه، گاهی در هرات حضور می‌یافت و زمانی در قندهار و در برهه‌ای از تاریخ در مزارشریف و کابل.

**ب. دگرگونی فرهنگی:** شهید بلخی با وجود این که یک عالم و تحصیل یافته علوم اسلامی و دینی بود؛ اما برای رسیدن به هدف تنها از ابزار دینی و اسلامی استفاده نکرد؛ بلکه ایشان برای روشنگری و بیان دردهای تاریخی مردم، رسواسازی دستگاه رژیم ستم‌گر زمانه، فساد گسترده در اداره‌های حکومتی و مبارزه با جهل و خرافات که گاه منشأ آن دین یا مذهب قلم‌داد می‌شد، از ابزارهای مختلف پیام‌رسانی فرهنگی و با شیوه‌های نوین و گوناگون استفاده کرد. سخنرانی‌های آتشین در شهرهای بزرگ افغانستان و خارج از آن، سرودن اشعار انقلابی با محتوای مبارزه علیه ستم، بیدادگری، جهل و خرافات و حمایت از ستم‌دیدگان، در صدد انداختن طرح‌نوین فرهنگی و تغییرات اجتماعی در این سطح بود. آن چه امروز از شهید بلخی تحت عنوان، چکامه‌ها، سخنرانی‌ها و اشعار الهام‌بخش انقلابی به یادگار مانده است، ابزارها و روش‌های ایشان برای آوردن تغییرات فرهنگی و اندیشه‌ای در میان مردم افغانستان بود؛ ولو خود در این راه قربانی شد:

ما تن به فنا دادیم تا زنده شما باشید  
بر خاک مزار ما مشغول دعا باشید.

**ج. تغییر رژیم سیاسی:** مبارزات شهید بلخی یک هدف نهایی داشت و آن عبارت بود از اصلاح رژیم خودکامه سیاسی یا تغییر رژیم به یک حکومت مردم محور. وی در این راه، سنگلاخ‌های زیادی را پیمود، تبعید را به جان خرید، حرمان از حقوق اجتماعی را تجربه کرد و بیش از چهارده سال در زندان به خاطر مبارزه اصلاح‌گرایانه خود و هم‌فکرانش به سر برد؛ اما گامی به عقب برنگشت. آغاز نهضت اصلاح‌گری «شهید بلخی» و مبارزه با رژیم استبدادی پس از اتمام تحصیل و برگشت به شهر هرات است؛ درست در آن برهه‌ای از تاریخ که از دید بسیاری از مردم پادشاه سایه خدا بود و ظل الله و عده‌ای از مولوی‌ها آن را رنگ و بوی الهی و قدسی می‌دادند؛ اما بلخی فریاد می‌زد که:

بلخیا! شاه بلا، شحنه بلا، شیخ بلا  
از سر خلق مگر جمله بلا بر خیزند.

یا

می آزادی و وحدت نرسد از چه به ما  
مستبد شیخ صفت، دشمن جام است این‌جا  
ما به سر منزل مقصود چسان راه بریم  
راهزن، رهبر و خس دزد، امام است این‌جا.  
شهید بلخی برای اصلاح دستگاه رژیم پادشاهی استبدادی از ارانه سخنرانی‌ها و سرودن اشعار گرفته تا حضور در تشکیلات



«حزب وطن»، «سازمان جوانان اسلام» و «حزب سری اتحاد یا ارشاد» بهره می‌جوید. بلخی که جزء بنیانگذاران حزب ارشاد بود، برای تغییر رژیم استبدادی ظاهرشاه طرح کودتاه و تغییر رژیم را با تعدادی از هم‌فکران خود سازمان‌دهی کرد که این طرح پیش از اجرا شدن توسط یکی از اعضای جدید این گروه به حکومت وقت گزارش داده می‌شود و این‌گونه است که بلخی با تعدادی از یاران و هم‌فکران خود از جمله «ابراهیم خان گاوسوار» در آستانه تحول بزرگ دستگیر شد و نزدیک به پانزده سال را در محبس دهم‌زنگ زندانی شد.

هرچند بلخی و یارانش در آن زمانه دستگیر و زندانی شدند و از اجتماع دور ماندند؛ اما افکار و اندیشه‌های مبارزاتی بلخی الهام‌بخش حرکت‌های آزادی‌بخش پس از وی را تشکیل داد و از حصار تنگ زمانه و زمینه‌های تاریک و گنگ عصر وی فراتر و گسترده‌تر گسترش یافت و معطوف به چنین رویکردی است که امروز ما یکبار دیگر به دنبال بازخوانی اندیشه‌های مبارزاتی وی هستیم. چنان‌که خود ایشان نیز این چنین پیش‌بینی کرده بود:

چو شمع وجود ما قربان شما گردید  
روشن‌گر شمع ما شاید که شما باشید  
در پیچ و شکنج دهر نومید نباید شد  
مردانه در این وادی با شور و نوا باشید.